



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض کردیم شیخ اعظم انصارى برای اثبات ولایت اهل بیت علیهم السلام استدلال کرده، مسیر بحث شیخ به این صورت است که ابتدا به سراغ اثبات ولایت برای اهل بیت با ذکر أدله ی اربعه رفته و سپس به سراغ فقیه و ولایت فقیه، ایشان در این مسیر کتاباً به پنج آیه از قرآن استدلال کرده اند که آیه اول و دوم و سوم را عرض کردیم .

آیه چهارم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾^۱.

درباره ی این آیه بحثهای فراوانی شده و تمام مفسرین ما بواسطه ی روایات اهل بیت علیهم السلام اولی الامر را به خود اهل بیت علیهم السلام واحد بعد واحد تفسیر کرده اند اما اهل تسنن حرفهای زیادی در اینجا دارند .

در تفسیر صافی در ذیل این آیه روایاتی از کافی و غیره نقل شده که سنداً هم خوب می باشند، در جلد اول کافی بابی منعقد شده که عنوانش این است: «باب ما نصَّ الله عزَّوجلَّ ورسوله على الائمه واحداً فواحداً»، در این باب خبری از أبی بصیر نقل شده که این خبر است: ﴿علي بن إبراهيم، عن محمد بن عيسى، عن يونس وعلي بن محمد، عن سهل ابن زياد أبي سعيد، عن محمد بن عيسى، عن يونس، عن ابن مسكان، عن أبي بصير قال سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عز وجل: "أطيعوا الله وأطيعوا الرسول وأولي الأمر منكم" فقال: نزلت في علي بن أبي طالب والحسن والحسين عليهم السلام: فقلت له: إن الناس يقولون: فما له لم يسم علياً وأهل بيته عليهم السلام في كتاب الله عز وجل؟ قال: فقال: قولوا لهم: إن رسول الله صلى الله عليه وآله نزلت عليه الصلاة ولم يسم الله لهم ثلاثاً ولا أربعاً، حتى كان رسول الله صلى الله عليه وآله هو الذي فسر ذلك لهم، ونزلت عليه الزكاة ولم يسم لهم من كل أربعين درهما درهم، حتى كان رسول الله صلى الله عليه وآله هو الذي فسر ذلك لهم، ونزل الحج

فلم يقل لهم: طوفوا أسبوعاً حتى كان رسول الله صلى الله عليه وآله هو الذي فسر ذلك لهم، ونزلت "أطيعوا الله وأطيعوا الرسول وأولي الأمر منكم" - ونزلت في علي والحسن والحسين - فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: في علي: من كنت مولاه، فعلي مولاه...الى آخر كلامه الشريف^۲.

حدیث دیگری نیز در تفسیر صافی با این مضامین نقل شده که بعد از نزول آیه: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ جابر گفت یا رسول الله ما خدا و شما را شناختی ام اولی الامر چه کسانی هستند؟ پیغمبر صلی الله علیه و آله تمام امامان را یک به یک تا آخرین نفر اسم بردند البته وقتی به امام باقر علیه السلام رسیدند به جابر گفتند تو زنده میمانی و آن را درک میکنی .

در جلد سوم از تفسیر برهان ۳۰ روایات در ذیل این آیه ذکر شده که تمام آنها بیان می کنند مراد از اولی الامر اهل بیت علیهم السلام هستند، امتیاز تفسیر برهان نسبت به دیگر تفاسیر این است که روایات را حتی الامکان با سند ذکر کرده و تقریباً ۱۲۰۰ حدیث در آن با سند ذکر شده است .

تمام تفاسیر ما اولی الامر را به اهل بیت علیهم السلام تفسیر کرده اند منتهی کلام علامه طباطبائی رحمه الله علیه در تفسیر المیزان خیلی جامع و کامل است، ایشان می فرمایند در آیه گفته شده: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ و هیچ قیدی ذکر نشده فلذا همانند خدا و پیغمبر باید در کلیه امورات زندگی بدون هیچ قید و شرطی از اهل بیت علیهم السلام نیز اطاعت کنیم به عبارت دیگر از اطلاق آیه استفاده می کنیم که اطاعت اهل بیت علیهم السلام در تمام امور زندگی بدون هیچ قید و شرطی مانند اطاعت خدا و رسول که بی قید شرط است واجب می باشد .

در تفسیر برهان بعد از ذکر آیه تقریباً ۳۰ خبر نقل شده، خبر دوم این است: ﴿عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِي مَسْرُوقٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قُلْتُ إِنَّا نَكَلِّمُ النَّاسَ فَتَجْتَنِعُ عَلَيْهِمْ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَيَقُولُونَ نَزَلَتْ فِي أَمِيرَاءِ السَّرَايَا فَتَجْتَنِعُ عَلَيْهِمْ بِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ فَيَقُولُونَ نَزَلَتْ فِي الْمُؤْمِنِينَ

^۱ سوره نساء، آیه ۵۹.

^۲ اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۲۸۶.

در اولی الامر جمع است درحالی که اطاعت از هرکدام از ائمه در زمان خودشان مفرد است! علامه طباطبائی در جواب می فرماید فخر رازی غفلت کرده چراکه آیه شریفه نمی گوید در یک زمان از همه اطاعت کنید تا ما بگوئیم همه ائمه در یک زمان نیستند، مثل این می ماند که گفته شده **صلِّ فرائضک** که خب معنایش این نیست که همه فرائض را در یک ساعت بخوان بلکه کم کم و به تدریج باید خوانده شوند و یا مثلاً گفته می شود **اکرم سادات و یا اکرم کبراء القوم** که خب معنایش این نیست که همه سادات و کبراء را در یک جا جمع کنید و در زمان واحد آنها را اکرام کنید بنابراین درست است که اولی الامر جمع است منتهی مراد این است که هریک از آنها را در زمان خودش اطاعت کنید .

علامه طباطبائی در ادامه به اقوال اهل سنت در مورد اولی الامر اشاره می کند و از آنها جواب می دهد، ایشان می فرماید اینکه گفته شده مراد از اولی الامر سلاطین و اهل حل و عقد هستند، ما می گوئیم قرآن برای همه و در همه زمانها و همه مکان ها می باشد و از طرفی در زمان ما نیز اهل حل و عقد در ایران و امریکا و سوریه و غرب و شرق عالم هستند، حالا قرآن امر کرده به اطاعت از سلاطین و أمراء خب اینها در جای جای دنیا با نظرات و فرهنگهای مختلف هستند خداوند کدام از آنها را می گوید آیا تمام آنها حق هستند؟! نتیجه ی این قول سر در می آورد از اینکه پس یزید و معاویه و ابن زیاد نیز همگی در زمان خودشان حق بوده اند! درحالی که اصلاً غیر ممکن است که خداوند متعال امر کند به اینکه از اهل حل و عقد در هر کجای دنیا مطلقاً اطاعت کنید! اصلاً مگر ظلم ها و فساد ها و کشتار ها از همین سلاطین جور پدیدار نشده؟! .

دوم اینکه أمراء السرایا نیز مراد نیستند زیرا مطلق است و قیدی ندارد مراد کدام فرمانده ی لشکر است؟! ضمن اینکه فرماندهان لشکرها نیز شاید ظالم و خونریز باشند! .

سوم اینکه فقهاء و علماء نیز مراد نیستند زیرا نمی توان گفت که تمام علماء و فقهاء کلامشان حق است مثلاً الان در عربستان سعودی علماء و فقهاء وهابی فتوی بر قتل ما می دهند!

و نَحْتَجُّ عَلَيْهِمْ بِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ فَيَقُولُونَ نَزَلَتْ فِي قُرَيْبِ الْمُسْلِمِينَ قَالَ فَلَمْ أَذْغْ شَيْئًا مِّمَّا حَضَرَنِي ذِكْرُهُ مِنْ هَذِهِ وَ شَبَّهَ إِلَّا ذِكْرُهُ فَقَالَ لِي إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَادْعُهُمْ إِلَى الْمُبَاهَلَةِ قُلْتُ وَ كَيْفَ أَصْبَحُ قَالَ أَصْلَحْ نَفْسَكَ ثَلَاثًا وَ أَطْنُهُ قَالَ وَ صُمْ وَ اغْتَسِلْ وَ ابْرُزْ أَنْتَ وَ هُوَ إِلَى الْجَبَانِ فَشَبَّكَ أَصَابِعَكَ مِنْ يَدِكَ الْيُمْنَى فِي أَصَابِعِهِ ثُمَّ أَنْصَفَهُ وَ ابْدَأْ بِنَفْسِكَ وَ قُلِ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ إِنْ كَانَ أَبُو مَسْرُوقٍ جَحَدَ حَقًّا وَ ادَّعَىٰ بَاطِلًا فَأَنْزِلْ عَلَيْهِ حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ أَوْ عَبْدًا بِأَلِيمًا ثُمَّ رُدِّ الدَّعْوَةَ عَلَيْهِ فَقُلْ وَ إِنْ كَانَ فُلَانٌ جَحَدَ حَقًّا وَ ادَّعَىٰ بَاطِلًا فَأَنْزِلْ عَلَيْهِ حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ أَوْ عَبْدًا بِأَلِيمًا ثُمَّ قَالَ لِي فَإِنَّكَ لَا تَلِيْتُ أَنْ تَبْرَىٰ ذَلِكَ فِيهِ فَبَرَأَ اللَّهُ مَا وَجَدْتُ خَلْقًا يُجِيبُنِي إِلَيْهِ ٣ .

خوب و اما درمقابل طبری در تفسیرش که ۳۰ جلد است و یکی از تفاسیر بسیار مفصل اهل سنت است در مورد اولی الامر چهار قول ذکر کرده: اول هم الأمراء، دوم فقهاء و علماء، سوم ابوبکر و عمر، چهارم که خودش قائل شده أمراء و ولایة که سلطنت می کنند مراد است، خلاصه اینکه سنی ها معتقدند هرکس ولو با قهر و غلبه تسلط پیدا کرد باید از او اطاعت کرد و اولی الامر را نیز تفسیر کرده اند به اطاعت از کسانی که حکومت و سلطنت دارند .

جامع ترین بحث و بهترین جواب به اهل سنت را استاد بزرگوار ما علامه طباطبائی رحمه الله علیه بیان کرده است، ایشان در تفسیر المیزان جلد ۴ از صفحه ۴۱۲ تا صفحه ۴۲۸ در این رابطه بحث و اثبات کرده که مراد از اولی الامر اهل بیت علیهم السلام هستند و همانند خدا و پیامبر اطاعت بی قید و شرط از آنها واجب است .

علامه طباطبائی رحمه الله علیه در بحثی که در مورد اولی الامر دارد می فرماید آیاتی در قرآن کریم داریم: ﴿لَا تَطِيعُوا امْرَأَ الْمَسْرِفِينَ﴾ و ﴿لَا يَنْالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ و ﴿وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمْسِكُُمُ النَّارُ﴾، وقتی این آیات را در کنار هم قرار می دهیم می فهمیم که اولی الامر از ظالمین و مسرفین نباید باشند فلذا منحصر در ائمه علیهم السلام می باشد که معصوم هستند و سپس ایشان می فرماید فخر رازی کلام بسیار عجیبی دارد و می گوید " اولی "

۳ تفسیر برهان، بحرانی، ج ۲، ص ۲۵۲.

بنابراین هیچکدام از این سه دسته عقلاً و شرعاً مراد از اولی الامر نمی باشند فلذا ما به این نتیجه می رسیم که مراد ائمه معصومین علیهم السلام می باشد که اطاعت از آنها مثل اطاعت از خدا و رسول بدون هیچ قیدی واجب است .

خوب و اما بنده در تتبعات خودم دیدم که امام رضوان الله علیه در برابر مخالفین در دوجا به این آیه شریفه برای حکومت خودمان استدلال کرده درحالی که ما تابه حالا عرض کردیم این آیه دالّ بر ولایت اهل بیت علیهم السلام می باشد، حالا ما باید ببینیم آیا امام رضوان الله علیه می خواهند فرمایشی برخلاف تمام تفاسیر و روایات داشته باشند یا فرمایش ایشان توجیه دارد؟ بنده دیدم که امام رضوان الله علیه در دوجای صحیفه نور به این آیه اشاره کرده که هر دوجا در برابر سنی ها می باشد، در آن زمانی که انقلاب پیروز شد و حکومت اسلامی تشکیل شد برخی از سنی ها در کردستان در برار حکومت قیام کردند و احلال بوجود آوردند فلذا امام رضوان الله علیه اولاً در جلد ۹ صحیفه نور صفحه ۳۳۶ در مقابل کردهای سنی به این آیه استدلال می کند و می گوید به قرآن مراجعه کنید و از علمائتان بخواهید برای شما بگویند مگر خداوند متعال در قرآن نفرموده: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ پس شما چرا از ما اطاعت نمی کنید؟! و ثانیاً در جلد ۹ صفحه ۳۴۶ باز می فرمایند اینها با قرآن مخالفند و قرآن نمی خوانند مگر قرآن نفرموده: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ پس چرا شما از اولی الامر اطاعت نمی کنید و چرا بر ضد حکومت و اولی الامر قیام می کنید؟ بنابراین از این فرمایشات امام رضوان الله علیه استفاده می شود که ایشان جدلاً در برابر کردهای سنی به این آیه برای اثبات حکومت خودمان استدلال کرده است .

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین